



اوباما داعش را تقویت کرد



یادداشت امروز

تبریک ما را هم بپذیرید!

مهدی محمدی

سخنان دیروز آقای رئیس‌جمهور خلاصه‌ای بود از کلیت دکترین سیاست خارجی دولت یازدهم. ایشان که به مناسبت آنچه دولت تصمیم گرفته آن را هر طور شده «بسته شدن PMD» بنامد، با مردم سخن می‌گفت برای چندمین بار در ماه‌های گذشته، به خود و به دولت و سپس به ملت، بابت مجموعه محصولات مدیریت تیم وزارت امور خارجه در پرونده هسته‌ای تبریک گفت. در انتها هم تکلیف همه را روشن کرد و گفت باید انتقاد درباره پرونده هسته‌ای بسته شود و بهتر آن است که دیگر کسی در این باره سخنی نگوید.

در کل، به ۲ سال گذشته اگر بنگرید، دولت اساساً در سیاست خارجی بیش از این کاری نکرده است: مذاکرات و توافقاتی با غرب کرده که در آنها عملاً آنچه آمریکایی‌ها می‌خواستند و به همان شیوه‌ای که آنها می‌خواستند، محقق شده، بعد آنچه به مردم گفته شده این بوده است که در حال خلق معجزاتی مهم در حل پرونده‌های امنیت ملی هستیم و همه باید به کاری که ما می‌کنیم افتخار کنند و در نهایت هم پس از به جهنم فرستادن منتقدان از آنها خواسته شده ساکت باشند و کار دیگری برای خود بیابند.

بویژه علاقه دولت به کارناوالیستی کردن موضوع، مصاحبه‌ها و شوهای تلویزیونی بی‌دری و زست گرفتن‌های مکرر برای مردم، نشان می‌دهد ارزش تبلیغاتی کل این ماجرا برای آقایان بسیار مهم‌تر از تبعات سیاسی و امنیتی آن است. از حیث مبانی، دولت کل این فرآیند را براساس اعتماد به آمریکا استوار کرده است. برجام، قطعنامه ۲۲۳۱، ارزیابی آمانو که صریحاً و رسماً ایران را به پیگیری یک برنامه نظامی هسته‌ای تا قبل از ۲۰۰۹ متهم می‌کند و در نهایت قطعنامه شورای حکام که همه این امور را تثبیت و روند‌های آتی پرونده هسته‌ای را مشخص می‌کند، فقط در یک صورت برای ایران تهدیدات جدید ایجاد نخواهد کرد و آن هم در شرایطی است که آمریکا تصمیم گرفته باشد دشمنی با ایران را کلاً کنار گذاشته و به دوست ایران بدل شود. اگر فقط یک درصد احتمال بدهیم که آمریکا قصد تداوم و تشدید دشمنی با ملت ایران را دارد، امکانات و ابزارهایی که در این اسناد در اختیار آن قرار داده شده، امکان وارد آوردن ضرباتی بسیار دردناک به پیکر نظام جمهوری اسلامی را فراهم می‌کند.

اینکه دولت صرفاً به این دلیل که آقای روحانی می‌خواهد در انتخابات ۹۶ شانس اول باشد، یا از آنجا که آقای هاشمی و متحدانش تصمیم گرفته‌اند مجلس آینده را به مجمع «کیکل‌الودله» تبدیل کنند، تعهداتی را بر کشور تحمیل کرده که آقای هاشمی هم توصیفی بهتر از قطعنامه ۵۹۸ برای آن پیدا نمی‌کند، چیزی نیست که از حافظه تاریخی این ملت پاک شود. سرمایه گرانبهایی که خون ۴ شهید به پای آن ریخته شده، در دستان دوستان مذاکره‌کننده دولت آقای روحانی بدل به توافقاتی شده که اکنون حتی اسرائیلی‌ها هم نمی‌توانند خوشحالی خود را از آن پنهان کنند.

مسئله اکنون این نیست که تیم سیاست خارجی آقای روحانی چه پرونده‌هایی را بسته است. مسئله این است که اولاً این کار را به چه قیمتی انجام داده و ثانیاً در ازای بستن آن پرونده‌ها چه پرونده‌های جدیدی را باز کرده است. بلا آژانس روز سه‌شنبه آنچه را که از سال ۲۰۱۰ به این سو PMD خوانده شده بود، بست ولی این کار اولاً به قیمت محکوم شدن ایران به جرمی که هرگز آن را مرتکب نشده انجام شد و ثانیاً رسماً این امکان را برای طرف غربی فراهم کرد که دسترسی به افراد، مکان‌ها و تجهیزات مرتبط با PMD را تحت عناوین دیگر درخواست کند و...

ادامه در صفحه ۵

بازگشت همه به‌سوی اوست
جناب آقای دکتر حسین انتظامی
مصیبت وارده را به‌جانب‌عالی تسلیت عرض نموده؛ برای آن مرحوم غفران و آمرزش و برای شما و خانواده محترم صبر و اجر از درگاه حضرت احدیت مسألت داریم
وطن امروز

سخنگوی دولت: دیدن آثار برجام

شاید چند سال طول بکشد!

صفحه ۲



روحانی: تبریک به خاطر موفقیت‌های پیاپی

مدعی شده است مربیان آموزش نظامی این کشور در یک پادگان در منطقه «بعشقیه» حال آموزش نیروهای پیشمرگ کرد برای مقابله با داعش هستند! اما افزایش روابط تجاری و اقتصادی ترکیه با داعش و خرید نفت از داعش نشان می‌دهد دولت اردوغان خیالات دیگری در سر می‌پروراند که یکی از آنها بی‌احترامی و دهن کجی به ایران و سیاست‌های ما در عراق است.

در چنین شرایطی که مواضع دولت ترکیه علیه ایران هر روز تندتر می‌شود و سیاست‌های این کشور کاملاً در جهت عکس سیاست‌های ایران است این سوال مطرح می‌شود که برگزاری دیدار با مقامات ترکیه از چه منطقی پیروی می‌کند؟ دولت و دستگاه دیپلماسی ایران به جای اینکه پاسخ تندی و اظهارات غیرمحترمانه مقامات ترکیه را با قاطعیت دیپلماتیک بدهند، با پذیرش دیدار با رئیس‌جمهوری ترکیه به اردوغان اجازه می‌دهند ضمن تکرار بی‌ادبی‌هایش؛ این بار در دیدار دومین مقام اجرایی کشور، مواضع ضدایرانی و غیرقابل قبول خود را تکرار کند و در واقع به طور ضمنی می‌پذیرد فراقلمنی‌های مقامات ترکیه علیه ایران بجا و درست است!

با توجه به شرایط، این ایران است که دست بالا را در تحولات منطقه دارد. بنابراین دولتمردان ما باید از ترکیه طلبکار باشند و سیاست‌های آنها را به پادانتقاد بگیرند اما متأسفانه نوع رفتار مقامات دولت و وزارت امور خارجه ایران به گونه‌ای است که گویی ترکیه در مواضع خود بحق است.

به نظر می‌رسد دولت و دستگاه دیپلماسی برای ایجاد روابط مناسب دیپلماتیک با همسایگان و واکنش مناسب به چنین شرایطی دچار سردرگمی شده و توانایی پاسخگویی نسبت به دست‌درازی‌های آنان به عزت مردم ایران را ندارد و وقت آن رسیده است تغییرات اساسی در چنین رویه‌ای ایجاد کند؛ اگر برخی متوجه شوند!

راهی سفارت فرانسه شدند تا شمع روشن کنند و با زست‌های خاص خودشان با مردم و دولت فرانسه همراه شوند.

اما با اندک فاصله‌ای یک حادثه تلخ در نیجر به رخ داد که تلفات انسانی آن بیش از ۲ برابر حادثه فرانسه بود. ۳۰۰ انسان مظلوم به گلوله و رگبار بسته شدند اما هیچ بمب خبری در جهان منفجر نشد. حال این سوال‌ها در افکار نکته‌سنج ایجاد می‌شود که چرا دولتمردان ایران کشتار صدها انسان بی‌گناه را در نیجر به تامل و تأخیر محکوم کردند و چرا موضع‌گیری و اظهار تأسف انجام ندادند و قدرت اظهاراتشان درباره حادثه فرانسه نبود؟

ادامه در صفحه ۵

عقب‌نشینی‌های ضد دیپلماتیک را پایانی هست؟

مهدی محمدی گرگانی

داد و حتی مقامات ایرانی را به عدم رعایت ادب و دروغویی متهم کرد. این در حالی است که دولت و واکنش به اظهارات مقامات ترکیه درباره هشدار وی نگفته‌اند و همواره تلاش کرده‌اند با مماشلات و چشم‌پوشی، از کنار اشتباهات و بی‌احترامی‌های ترکیه بگذرند. اردوغان همچنین در این دیدار از جهانگیری خواست از انتشار مطالب علیه خانواده وی در رسانه‌های ایران جلوگیری کند. بسیار بعید است اردوغان و مقامات دولت ترکیه از فضای حاکم بر سیاست داخلی و رسانه‌های ایرانی آگاه نباشند بنابراین به نظر می‌رسد اردوغان قصد داشته با استفاده از فرصت این دیدار و با توجه به سیاست سکوت و لبخند دولت و وزارت امور خارجه ایران، اعتراض و انتقاد خود را به گوش محافل سیاسی داخلی در ایران برساند.

۲- اما فاساغ از آنچه در دیدار میان اردوغان و جهانگیری گذشت، نفس پذیرفتن چنین دیداری فارغ از اینکه این دیدار به درخواست کدام طرف انجام شده است، در این دیدار نکات دیگری نیز وجود داشت که برای ایرانی‌ها توهین‌آمیز و دور از شأن دولت جمهوری اسلامی ایران بود.

۱- در تصاویری که از این دیدار منتشر شد متأسفانه شاهد چند بی‌حرمتی از سوی اردوغان در دیدار با معاون اول رئیس‌جمهور کشورمان از جمله نبود پرچم ایران در این دیدار، تفاوت صندلی‌ها، نحوه نشستن و حتی حالت چهره و زست خاص اردوغان هنگام دست دادن با آقای جهانگیری بودیم. اردوغان در این دیدار به‌گونه‌ای رفتار کرد که نشان دهد از مواضع ایران در قبال کشورش راضی نیست و غیر از آنکه آن را به زبان آورد تلاش کرد با استفاده از زبان بدن نیز عصبانیت خود را نشان دهد. اردوغان در

«زاریا» تئاتر ندارد!

مهدی جابری

است و تناسبی با آموزه‌های هیچ دین و آیین آسمانی ندارد. همچنین خون هیچ انسان و گروهی پررنگ‌تر از دیگری نیست و جان، نفس و زندگی تمام انسان‌ها به یک اندازه ارزش دارد. چندی قبل در حوادث تروریستی تلخ و دردناک پاریس، ۱۳۰ نفر کشته شدند. این اتفاق خیلی زود تبدیل به یک بمب خبری شد و ابعاد آن جهان را لرزاند. البته هدف اصلی رسانه‌های غرب و آمریکا و وابستگان آنها این بود که ارتباط مستقیم بین

حالی دولت و مقامات ایران را هدف انتقادات خود قرار داد که دولتمردان و دستگاه دیپلماسی ایران طی این مدت نازک‌تر از گل به اردوغان و کابینه وی نگفته‌اند و همواره تلاش کرده‌اند با مماشلات و چشم‌پوشی، از کنار اشتباهات و بی‌احترامی‌های ترکیه بگذرند. اردوغان همچنین در این دیدار از جهانگیری خواست از انتشار مطالب علیه خانواده وی در رسانه‌های ایران جلوگیری کند. بسیار بعید است اردوغان و مقامات دولت ترکیه از فضای حاکم بر سیاست داخلی و رسانه‌های ایرانی آگاه نباشند بنابراین به نظر می‌رسد اردوغان قصد داشته با استفاده از فرصت این دیدار و با توجه به سیاست سکوت و لبخند دولت و وزارت امور خارجه ایران، اعتراض و انتقاد خود را به گوش محافل سیاسی داخلی در ایران برساند.

۲- اما فاساغ از آنچه در دیدار میان اردوغان و جهانگیری گذشت، نفس پذیرفتن چنین دیداری فارغ از اینکه این دیدار به درخواست کدام طرف انجام شده است، در این دیدار نکات دیگری نیز وجود داشت که برای ایرانی‌ها توهین‌آمیز و دور از شأن دولت جمهوری اسلامی ایران بود.

۱- در تصاویری که از این دیدار منتشر شد متأسفانه شاهد چند بی‌حرمتی از سوی اردوغان در دیدار با معاون اول رئیس‌جمهور کشورمان از جمله نبود پرچم ایران در این دیدار، تفاوت صندلی‌ها، نحوه نشستن و حتی حالت چهره و زست خاص اردوغان هنگام دست دادن با آقای جهانگیری بودیم. اردوغان در این دیدار به‌گونه‌ای رفتار کرد که نشان دهد از مواضع ایران در قبال کشورش راضی نیست و غیر از آنکه آن را به زبان آورد تلاش کرد با استفاده از زبان بدن نیز عصبانیت خود را نشان دهد. اردوغان در

جهان

تسب زرد، رنگ سیاه، بیماری و نشانی رویان قرمز و حالا سکوت و موضع خاکستری مدعیان انسان‌دوستی در ایران! اینها دردهای دیروز و امروز نیجر به است. ۳۰۰ انسان بی‌گناه در نیجر به هم‌کاری و همراهی تروریست‌های سعودی کشته شدند، بی‌آنکه مسلح باشند یا بتوانند از خود دفاع کنند. آنها رسانه‌های فراگیر در اختیار نداشتند، ساده و مظلوم بودند و بی‌صدا و بی‌هیاهو جان دادند. این روزها بلوار آفریقا خلوت‌تر از همیشه است و کسی مقابل سفارت نیجر به تهران شمع روشن نکرده است. کشتار انسان‌های بی‌گناه با هر زبان و رنگ و نژاد، در هر کشور و سرزمین و با هر بهانه محکوم

نگاه

در دنیای سیاست بین‌الملل و روابط میان دولت‌ها معمولاً رسم بر این است که بعد از وقوع تنش میان کشور، مقاماتشان تلاش می‌کنند با برگزاری دیدارهای مستقیم از افزایش تنش و تبدیل شدن آن به بحران جلوگیری کنند اما عرف دیپلماتیک دارای شرایط و مقتضیاتی است. به عنوان مثال بعد از ساقط شدن جنگنده «سوخو ۲۴» روسیه توسط جنگنده‌های ارتش ترکیه، مقامات آنکارا بارها خواستار دیدار و گفت‌وگو با مقامات روس شدند اما مسکو به دلایل مختلف از پاسخ مثبت به این درخواست‌ها ظفره رفت. در واقع دولت روسیه بار در درخواست مقامات ترکیه اعتراض و عصبانیت خود را از اقدام ترکیه نشان داد.

به دنبال افزایش تنش میان تهران و آنکارا به خاطر اختلافات طرفین بر سر نحوه برخورد با داعش و موضوع سوریه و هشدار «رجب طیب اردوغان» رئیس‌جمهور بیمار از روحی‌ها به ایران درباره حمایت از روسیه در موضوع ساقط شدن جنگنده روسی، «سبحان جهانگیری» معاون اول رئیس‌جمهور و رئیس‌جمهوری ترکیه در حاشیه یک نشست منطقه‌ای در ترکمنستان دیدار و گفت‌وگو کردند. فارغ از اینکه این دیدار به درخواست کدام طرف انجام شده است، در این دیدار نکات دیگری نیز وجود داشت که برای ایرانی‌ها توهین‌آمیز و دور از شأن دولت جمهوری اسلامی ایران بود.

۱- در تصاویری که از این دیدار منتشر شد متأسفانه شاهد چند بی‌حرمتی از سوی اردوغان در دیدار با معاون اول رئیس‌جمهور کشورمان از جمله نبود پرچم ایران در این دیدار، تفاوت صندلی‌ها، نحوه نشستن و حتی حالت چهره و زست خاص اردوغان هنگام دست دادن با آقای جهانگیری بودیم. اردوغان در این دیدار به‌گونه‌ای رفتار کرد که نشان دهد از مواضع ایران در قبال کشورش راضی نیست و غیر از آنکه آن را به زبان آورد تلاش کرد با استفاده از زبان بدن نیز عصبانیت خود را نشان دهد. اردوغان در

تیتراهای امروز

افشاکاری یک عضو جنبش اسلامی نیجر به درباره جنایت شنبه سیاه ارتش

ادامه کشتار شیعیان



صفحه ۱۵

اعضای شورای شهر تهران در گفت‌وگو با «وطن امروز» تأکید کردند

تدابیر سفید در روز قرمز پایتخت!

صفحه ۴

حداد عادل سخنگوی ائتلاف اصولگرایان

صفحه ۲

حمایت ارشاد از ممنوع‌التصویری فتنه‌گران

صفحه ۲

روزنه

روحانی بازنده هر دو موقعیت ائتلاف و عدم ائتلاف با اصلاح‌طلبان

امیرعلی جهاندار

ابتدای دولت یازدهم درباره «رحم اجارهای» اصلاح‌طلبان در دل دولت یازدهم نوشتیم که طی ۳ مرحله از میزان خود جدا خواهد شد و در مقابل آن قرار خواهد گرفت. آن زمان همه می‌دانستند که حضور در انتخابات ۲۴ خرداد باعث شد حسن روحانی در یک جبهه‌جایی وسیع از «راست سنتی» به سمت «چپ مدرن» حرکت کند تا بتواند آرای این جریان را به دست آورد و از سویی اصلاح‌طلبان برای ادامه بقای سیاسی خود به ناچار با وی همراه شدند و این تنها یک اقدام تاکتیکی است نه یک پیوند استراتژیک!

در آن تحلیل ۳ مرحله را برای روحانی و اصلاح‌طلبان متصور شده بودیم که مرحله اول قرار گرفتن در جایگاه منتقد روحانی است. مرحله دوم لیست جداگانه برای انتخابات مجلس دهم و مرحله سوم معرفی کاندیدایی مجزا برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۶.

اصلاح‌طلبان قرار گرفتند در جایگاه منتقد را از همان سال اول با رفتارهای یکی به نعل و یکی به میخ شروع کردند اما این روزها «عبور از روحانی» گزاره‌ای جدی در بین اصلاح‌طلبان است. مهم‌ترین نسل‌ان این عبور از روحانی را می‌توان در برنامه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران - مهم‌ترین شاخه دانشجویی جریان اصلاح‌طلبی - دانست، برنامه‌ای با عنوان «تردید و امید» که پیامش برای همه «تردید در ادامه با روحانی» است، چرا که روحانی برای جریان اصلاح‌طلبی حکم یک جنس بدلی آن هم ناکارآمد در برآوردن مطالبات حدائقی - نه حداکثری - اصلاح‌طلبان را دارد و ترجیح آنها عدم همراهی با روحانی و رسیدن به مدل مطلوب و جنس اصلی خود است.

امروز شکاف‌ها بین احزاب و گروه‌های حامی دولت و اصلاح‌طلب بیش از پیش شده است. اولین اختلاف اصلاح‌طلبان با اعتدال و توسعه‌ای است که «لاریجانی نقد را به عارف نسبیه ترجیح می‌دهد» و هاشمی آن را در روزهایی تالیس کرد که زیر فشار اصلاح‌طلبان در انتهای دهم ۷۰ به «الیجناب سرخپوش» بدل شده بود. سیدحسین موسویان از شرایط تالیس اعتدال می‌گوید: «در جناح اصلاح‌طلب یک جریان افراطی در همان اول کار آقای خاتمی وجود داشت و ...

ادامه در صفحه ۵